

الغصن الخارج من جذع يسى:

شاخه‌ای که از تنه‌ی یسی بیرون می‌آید:

س ۱۲ / يُفسّر القساوسة والكنيسة الغصن الذي ينبت من جذع يسى بالمسيح ع، فهل هذا صحيح؟

پرسش ۲: کشیش‌ها و کلیسا شاخه‌ای را که از تنه‌ی یسی می‌روید، به مسیح ع تفسیر نموده‌اند. آیا این صحیح است؟

الجواب: سؤالك عن الغصن الوارد في اشعيا:

پاسخ: پرسش شما در مورد شاخه‌ای است که در اشعیا آمده است:

إشعيا- الأصحاح الحادي عشر:

« 1 ويخرج قضيب من جذع يسى وينبت غصن من أصوله 2 ويحل عليه روح الرب روح الحكمة والفهم روح المشورة والقوة روح المعرفة ومخافة الرب. 3 ولذته تكون في مخافة الرب فلا يقضي بحسب نظر عينيه ولا يحكم بحسب سمع أذنيه. 4 بل يقضي بالعدل للمساكين ويحكم بالإنصاف لبائسي الأرض ويضرب الأرض بقضيب فمه ويميت المنافق بنفخة شفثيه. 5 ويكون البر منطقة متنيه والأمانة منطقة حقويه 6 فيسكن الذئب مع الخروف ويربض النمر مع الجدي والعجل والشبل والمسمن معاً وصبي صغير يسوقها. 7 والبقرة والدبة ترعيان. تريض أولادهما معاً والأسد كالبقر يأكل تبناً. 8 ويلعب الرضيع على سرب الصل ويمد الفطيم يده على حجر الأفعوان. 9 لايسوؤون ولا يفسدون في كل

جبل قدسي لأن الأرض تمتلئ من معرفة الرب كما تغطي المياه البحر. 10 ويكون في ذلك اليوم أن أصل يسي القائم راية للشعوب إياه تطلب الأمم ويكون محله مجداً 11 ويكون في ذلك اليوم أن السيد يعيد يده ثانية ليقتني بقية شعبه التي بقيت من آشور ومن مصر ومن فتروس ومن كوش ومن عيلام ومن شنعار ومن حماة ومن جزائر البحر. 12 ويرفع راية للأمم ويجمع منفيي إسرائيل ويضم مشنتي يهوذا من أربعة أطراف الأرض».

اشعيا - اصحاح يازدهم:

« ۱ و از تنه‌ی یسی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت ۲ و روح پروردگار بر او قرار خواهد گرفت، روح حکمت و فهم، روح مشورت و قدرت، روح معرفت و ترس از خداوند ۳ و خوشی او در ترس از پروردگار خواهد بود. او فقط بر وفق مشاهده‌ی چشمش قضاوت نمی‌کند و موافق شنیده‌ی گوش‌هایش حکم نمی‌دهد ۴ بلکه مسکینان را با عدالت داوری خواهد کرد و در میان بی‌نوایان زمین با انصاف حکم خواهد راند. زمین را با عصای دهانش می‌زند و منافق با نفس لب‌هایش خواهد مرد ۵ کمر بند کمرش، عدالت و کمر بند میانش، امانت خواهد بود ۶ پس گرگ با گوسفندان سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله با شیر و پرواری با هم، و طفلی کوچک آنها را خواهد راند ۷ و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد. ۸ و طفل شیرخواره، بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه‌ی افعی خواهد گذاشت. ۹ و در تمام کوه مقدس من، فساد نمی‌کنند و کار زشتی انجام نمی‌دهند زیرا زمین از معرفت پروردگار پر می‌شود همان طور که آب، دریا را می‌پوشاند ۱۰ و در آن روز ریشه‌ی یسی به عنوان پرچمی برای مردم برپا خواهد شد و امت‌ها فقط او را طلب خواهند کرد و او با جلال خواهد بود ۱۱ و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه‌ی قوم خویش را که از آشور، مصر، فتروس، حبش، عیلام، شنعار، حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند، بازآورد. ۱۲ و به جهت امت‌ها پرچمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهودا را از چهار گوشه‌ی جهان فراهم خواهد آورد».

تفسیرهم الغصن بأنه عیسی ع غیر صحیح، والنص یأبی
تفسیرهم (1) ویناقض عقیدتهم. فعیسی ع بحسب معتقدہم هو
الرب المطلق نفسه، فكيف يخاف من الرب وتكون لذته في مخافة
الرب؟! وربما يعللون هذا باللجوء إلى عقيدة الأقانيم الثلاثة
الباطلة والمتناقضة والتي بيّنت بطلانها بالدليل في كتاب التوحيد
(2).

ولی اینکه آن شاخه را به عیسی ع تفسیر می‌کنند، صحیح نیست و این
متن، تفسیر آنان را بر نمی‌تابد (3) و با عقیده‌شان سر ناسازگاری دارد. عیسی ع
بر اساس عقیده‌ی آنان، همان پروردگار مطلق است؛ پس چگونه او از
پروردگار می‌ترسد و خوشی او در ترس از پروردگار است؟! شاید با پناه‌آوردن
به عقیده‌ی اقانیم سه‌گانه‌ی باطل و متناقض - که باطل بودنش را با دلیل و

1. یفسر علماء الكنيسة الآية: «ويخرج قضيب من جذع يسي وينبت غصن من أصوله» بعيسى ل، ويرون أنّ معنى
القضيب والغصن واحد، وهو خلاف الحكمة بكل تأكيد. وكمثال لتفسيرهم أعرض ما قاله القمص تادرس يعقوب مصوراً
انطباق النص على عيسى: (.. لم يقل ابن داود مع أنه شرعاً هو ابن داود، لكنه أراد تقديمه بصورة متواضعة جداً،
كقضيب وغصن من يسي الذي عاش ومات قليل الشأن) تفسیر سفر اشعيا. وهم إذ يشكلون على اليهود تطبيقهم النص
على "حزقيا" بلا دليل؛ ولأنه ولد قبل أن ينطق إشعيا به، نراهم يطبقون النص على عيسى ل بلا دليل أيضاً، وواضح أنّ
الآية وما يليها أب عن ذلك للأسباب التي بينها السيد أحمد الحسن، والذي بيّن معنى النص في كتاب آخر له قائلاً: (..
أما يسي، وهو في التوراة معروف أنه والد نبي الله داود ل. وأم الإمام المهدي ل من ذرية داود.. فالإمام المهدي محمد بن
الحسن العسكري ل من ذرية إسرائيل (يعقوب ل) من جهة الأم، ومن ذرية محمد ﷺ من جهة الأب، فيصدق عليه أنه
قضيب من جذع يسي. كما يصدق على المهدي الأول من المهديين الاثني عشر أنه غصن يخرج من ذاك القضيب من
جذع يسي؛ لأنه من ذرية الإمام المهدي) كتاب وصي ورسول الامام المهدي في التوراة والانجيل والقرآن.

2. أما تعليلهم لذة عيسى بمخافة الرب التي تحل عليه وربطها بمسألة الأقانيم، يقول القمص تادرس يعقوب في تفسيره:
(.. حلول الروح القدس على المسيح يختلف عن حلوله علينا؛ بالنسبة له حلول أفنومي، واحد معه في ذات الجوهر مع
الأب، حلول بلا حدود ..)، ويقول: (فحلول الروح القدس ليس حلولاً زمنياً بل هو اتحاد أزلي بين الأقانيم الثلاثة ..).
وأما ما يتعلق بإبطال عقيدة الأقانيم الثلاثة، فبإمكان الجميع قراءة كلام السيد أحمد الحسن في ملحق رقم (1).

3- علمای کلیسا، آیه‌ی: «و از تنه‌ی یسی شاخه‌ای خارج می‌شود و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت» را به عیسی ع تفسیر می‌کنند و نظرشان
این است که معنای شاخه و تنه، یکی است و این مورد، قطعاً خلاف حکمت می‌باشد. به عنوان مثالی از تفسیرهای آنان، سخن کشیش تادریس
یعقوب با این تصور که این متن بر عیسی منطبق می‌شود را بیان می‌کنم: «... نگفته است فرزند داوود، با اینکه ایشان از جهت شرعی فرزند داوود
است؛ ولی خواست او را به شکلی واقعاً متواضعانه بیان کند؛ مانند نهال و شاخه‌ای از یسی که زندگی کرد و در حالی که جایگاهش اندک بود، از دنیا
رفت» (تفسیر سفر اشعيا). آنان به اینکه یهود بی هیچ دلیلی متن را بر «حزقیا» تطبیق می‌دهند، اشکال می‌گیرند؛ چرا که حزقیا پیش از آنکه اشعيا
این مطلب را بگوید، متولد شده بود؛ در حالی که می‌بینیم خود آنان نیز بدون دلیل متن را بر عیسی ع تطبیق می‌دهند. روشن است که این آیه و
آنچه پس از آن می‌آید، بنا به دلایلی که سید احمد الحسن ع بیان فرموده‌اند، چنین تطبیقی را بر نمی‌تابند؛ و ایشان معنای متن را در کتاب دیگری
اینگونه بیان کرده است: «... اما یسی در تورات شناخته شده است؛ او پدر پیامبر خدا داوود ع است، و مادر امام مهدی ع نیز از نسل داوود ع
می‌باشد... پس امام مهدی محمد بن الحسن العسكري ع از ناحیه‌ی مادری جزو نوادگان اسرائیل (یعقوب ع) و از ناحیه‌ی پدری از نوادگان محمد
ص به شمار می‌رود. پس اینکه حضرت مهدی ع شاخه‌ای از تنه‌ی یسی است، بر او صدق می‌کند. همان‌گونه که این مورد بر مهدی اول از مهدیین
دوازده‌گانه نیز صدق می‌کند؛ چرا که او نیز شاخه‌ای است که از شاخه‌ای از تنه‌ی یسی بیرون می‌آید؛ چرا که او از نسل امام مهدی ع است» (کتاب
وصی و فرستاده‌ی امام مهدی در تورات، انجیل و قرآن).

برهان در کتاب توحید بیان کردم- دلیل بیاورند.(۴)

وعيسى لم يحكم ولم يقض بين الناس، فهو لم يتمكن من إقامة العدل أو إنصاف المظلومين، فكيف ينطبق عليه النص أعلاه (5)؟!

این در حالی است که عیسی حکومت نکرد و بین مردم قضاوت ننمود. بنابراین ایشان امکان بر پا داشتن عدالت یا انصاف برای مظلومان و ستم‌دیدگان را به دست نیاورد؛ پس چطور متن بالا بر او منطبق می‌شود؟! (۶)

وعيسى ع لم يتحقق في زمنه ما يصوره النص من أن الأرض تمتلئ من معرفة الرب كما تغطي المياه البحر، ويكون لهذه المعرفة أثر وهو أن الأغنياء يواسون الفقراء، وأن القوي يعين الضعيف، وأن تخلو الأرض من الظلم تقريباً ... الخ.

آنچه این متن به تصویر می‌کشد در زمان عیسی ع محقق نمی‌شود؛ اینکه زمین از شناخت پروردگار پر می‌شود، همان‌طور که از آب دریاها پر شده است. این شناخت باید تأثیری بر جای بگذارد؛ مانند اینکه ثروتمندان به فقیران کمک می‌کنند، و نیرومند ضعیف را یاری می‌دهد و به زودی زمین از ستم خالی می‌شود و...

۴- اما در مورد دلیل آوردن آنان در مورد لذت بردن عیسی از ترس از پروردگار که بر او قرار می‌گیرد و ارتباط آن با مسئله‌ی اقاانیم، کشیش تادریس یعقوب در تفسیرش می‌گوید: «... حلول و قرار گرفتن روح القدس بر مسیح، با قرار گرفتن او بر ما متفاوت است. در مورد ایشان قرار گرفتن، اُقنومی است. او در ذات جوهر، با پدر یگانه است. قرار گرفتن بدون هیچ حد و مرزی...» و می‌گوید: «و قرار گرفتن روح القدس، قرار گرفتن زمانی نمی‌باشد. بلکه اتحادی ازلی بین اقاانیم سه‌گانه وجود دارد...».

اما در مورد باطل کردن عقیده‌ی اقاانیم سه‌گانه، همگان می‌توانند سخنان سید احمدالحسن را در پیوست شماره ۱ مطالعه نمایند.

5. يعقّب القمص تادرس يعقوب على الآية "لا يقضي بحسب نظر عينيه" قائلاً: (يأخذ السيد المسيح موقفاً مضاداً لما حدث في أيام إشعيا، إذ كان القضاة يحكمون حسب الوجوه. هذه الضربة "المحابة" كثيراً ما تُصيب الملتزمين بمسئوليات قيادية، وقد وقف الرب حازماً ضد هذا الوياء، فكان يوبخ القيادات الدينية التي أُصيبت بالمحابة والرياء مثل الفريسيين والصدوقيين والكتبة، بينما كان يدعو الأطفال إليه بلطف ويتفرق بالخطاة والعشارين). وواضح أن لي النصوص هذا بعيد عن المنهج العلمي، فالنص يتحدث عن رجل يحكم ويقضي ويملاً الأرض معرفة وعدلاً لا عمّن يوبّخ ويتعامل بلطف.

۶- کشیش تادریس در توضیح آیه‌ی «او بر وفق مشاهدی چشمش قضاوت نمی‌کند» چنین می‌نویسد: «سید مسیح موضعی کاملاً متضاد با آنچه در زمان اشعیا جریان داشت که قضات براساس قراین قضاوت می‌کردند، اتخاذ می‌کند. این طعنه (جانب‌دارانه بودن) به بسیاری از کسانی که به مسئولیت‌های رهبری متعهد هستند، وارد می‌شود، و پروردگار با شدت در برابر این بیماری ایستادگی نمود. ایشان، رهبران دینی را که به جانب‌داری و ریاکاری دچار بودند، توبیخ می‌نمود؛ مانند فريسيان، صدوقيان و کاتبان. این در حالی است که کودکان را با لطف، به سوی خود دعوت می‌کرد و با افراد خطارکار و باجگیر، مهربانی می‌نمود». روشن است که رویکرد این متون، از رویکرد علمی بسیار به‌دور است. متن درباره‌ی مردی سخن می‌گوید که حکومت می‌کند و زمین را پر از شناخت و عدل می‌کند؛ نه از کسی که توبیخ می‌کند و با لطف رفتار می‌نماید.

النص كله تقريباً بعيد كل البعد عن عيسى ع وعن دعوته، فهل مثلاً جمع عيسى منفيي إسرائيل (يعقوب عندهم)؟؟ وهل ضمّ مشتتي يهوذا (ابن يعقوب عندهم) من أطراف الأرض؟؟ ولو قالوا: جمعهم وضمّهم بالإيمان به، أيضاً لا يصح؛ لأنّ دعوة عيسى ع إلى حين رفعه لم تتجاوز حدود مدن قليلة. بينما نجد النص يقول إنّ هذا الشخص يضمّ مشتتي يهوذا من أطراف الأرض، أي أنّ معنى النص: أنّ هذا الشخص يؤمن به في زمن بعثته أناس من كل دول العالم تقريباً بل ومن الدول النائية عن مكان بعثته بالخصوص (أطراف الأرض)(7).

تقريباً تمامی محتوای متن از عیسی ع و دعوت ایشان به طور کامل به دور است. آیا به عنوان مثال عیسی، رانده شدگان اسرائیل (از نظر اینان یعقوب) را گرد آورده است؟؟ و آیا پراکندگان یهوذا (از نظر آنها، فرزند یعقوب) را از جای جای جهان گرد آورده است؟؟ اگر بگویند: آنان را گرد آورده و با ایمان به او، آنها را ضمیمه کرده است، این نیز صحیح نیست؛ چرا که دعوت عیسی ع تا هنگام بالا بردن ایشان، از محدوده‌ی شهرهای اندکی تجاوز نکرده بود. این در حالی است که متن می‌گوید: این شخص پراکندگان یهوذا را از گوشه و کنار زمین گرد می‌آورد؛ به عبارت دیگر معنای متن چنین می‌باشد: در زمان برانگیخته شدن این شخص، مردم بسیاری تقریباً از تمامی دولت‌های عالم و به خصوص از سرزمین‌های دور دست نسبت به مکان

7. يعترف علماء الكنيسة أنّ ما ذكر في النص لم يحصل في زمن عيسى ع، لكنهم يزعمون حصوله على يد الكنيسة في المستقبل، هكذا بلا دليل. يقول القس انطونيوس فكري: (ويكون في ذلك اليوم = أي العصر الإنجيلي .. وهذا حدث يوم العنصرة ثم من خلال كرازة الرسل ثم عبر الكنيسة، ثم سيحدث أيضاً بإيمان اليهود في نهاية الأيام .. آية «12 ويرفع راية للأمم ويجمع منفيي إسرائيل ويضم مشتتي يهوذا من أربعة أطراف الأرض». الكنيسة ستضم الجميع الأمم مع اليهود الذين في الشتات) تفسير العهد القديم - إشعيا 11. وهو ربما يقصد كنيسة الارثوذكس، التي قال عنها بابا شنودة الثالث "الارثوذكسية القبطية هي كنيسة المسيح الوحيدة". في حين يرى بابا الفاتيكان بندكيت السادس عشر وفق وثيقة «دومينوس يزوس» أنّ "كنيسة المسيح الوحيدة هي الكنيسة الكاثوليكية"، وأنها دون غيرها تمتلك جميع وسائل الخلاص. وقد أثارت ردود فعل ليس آخرها ما نصح به كاهن الكنيسة الارثوذكسية (القمص مرقس عزيز) بابا الفاتيكان بالكف عن الهزل والإفافة من الغيبوبة وألا يكون ألعوبة بيد الشيطان. وأكد أنّ الكنيسة التي تجمع الشتات بنظر مارتن لوثر (المنشق عن الكنيسة الكاثوليكية) هي كنيسته المصلحة، وهكذا.

برانگیخت شدن او (گوشه و کنار زمین) به او ایمان می‌آورند.^(۸)

«ویرفع رایة للأمم ویجمع منقبی اسرائیل ویضم مشتتی یهوذا
من أربعة أطراف الأرض»:

و کلمة یهوذا معناها بالعربی: (حمد) أو أحمد.

«۱۲ و به جهت امت‌ها پرچمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهوذا را از چهار گوشه‌ی جهان فراهم خواهد آورد».
کلمه‌ی یهوذا در زبان عربی به معنی «ستایش» یا «ستایش کرد» (حمد، أحمد) است.

جاء في التوراة في سفر التكوين - الأصحاح التاسع
والعشرون:

«35 وحبلت أيضاً وولدت ابناً وقالت هذه المرة أحمد الرب. لذلك
دعت اسمه يهوذا. ثم توقفت عن الولادة» (9).

در تورات سفر پیدایش اصحاب بیست و نهم آمده است:

«۳۵ و بار دیگر حامله شده، پسری زایید و گفت: این مرتبه پروردگار را
حمد می‌گویم. پس او را یهوذا نام نهاد. سپس از زاییدن باز ایستاد».^(۱۰)

۸- علمای کلیسا اعتراف می‌کنند به اینکه آنچه در متن گفته شده، در زمان عیسی ع اتفاق نیفتاده است؛ ولی آنان چنین می‌پندارند که در آینده به دست کلیسا حاصل خواهد شد؛ همین‌طوری و بی هیچ دلیلی! اسقف آنتونیوس فکری می‌گوید: «در آن زمان، این‌گونه است = یعنی در زمان انجیل... این اتفاق روز پنجاه است سپس با پند و اندرز فرستادگان، سپس از طریق کلیسا. سپس در پایان روزگاران، ایمان یهود اتفاق خواهد افتاد... آیه‌ی «۱۲ و به جهت امت‌ها پرچمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهوذا را از چهار گوشه‌ی جهان فراهم خواهد آورد»؛ کلیسا همه‌ی پراکندگان امت‌های یهوذا را از چهار گوشه‌ی جهان فراهم خواهد آورد» (تفسیر عهد قدیم - اشعیا ۱۱). چه بسا منظور او، کلیسای ارتودکس باشد که پاپ شنودای سوم درباره‌اش گفته است: «ارتودوکس قبطی، تنها کلیسای مسیحی است»؛ این در حالی است که پاپ واتیکان بندیکت شانزدهم براساس سند «دومینوس یزوس» نظرش چنین است: «تنها کلیسای مسیحی، کلیسای کاتولیکی است» و آن و نه چیز دیگر هم‌انی است که تمامی ابزارهای رهایی را در اختیار دارد. این مسئله، باعث عکس‌العمل‌هایی شد که آخرین آنها، پندی که کاهن کلیسای ارتودکسی «کشیش مرقس عزیز» پاپ واتیکان بیان کرده است، نمی‌باشد؛ به اینکه از خوشمزگی دست برداشته شود و از خواب غفلت بیدار شود و گرنه بازیچه‌ای در دست شیطان خواهد بود، و به طور قطع آن کلیسایی که پراکندگی‌ها را جمع می‌کند طبق نظر مارتین لوتر «کلیسایی است که از کلیسای کاتولیک مشتق شده»؛ این همان کلیسای اصلاح‌گر است؛ و بیاناتی از این دست.

9. جاء في قاموس الكتاب المقدس في شرح كلمة "يهوذا ابن يعقوب": (اسم عبري معناه "حمد" وهو رابع أبناء يعقوب من ليثة، وولد في ما بين النهرين "تك: 29: 35". وأعطى هذا الاسم لسبب شكر أمه عند ولادته).

۱۰- در فرهنگ کتاب مقدس در شرح کلمه‌ی «یهودا پسر یعقوب» آمده است: «نامی عبری است که معنایش «ستایش کرد» (حمد) می‌باشد و او چهارمین فرزند یعقوب از لیثه (همسر یعقوب) می‌باشد و در بین النهرین متولد شده است (۲۹: ۳۵) و این نام به خاطر شکرگزاری مادرش در هنگام ولادتش به او داده شده است».

و کلمه اسرائیل معناها بالعربی: عبد الله (11).

و کلمه ی «اسرائیل» در عربی به معنی «عبد الله» (بنده ی خدا) می باشد.
(۱۲)

فیکون النص: «ویرفع رایة للأمم ویجمع منقبی اسرائیل» عبد الله "ویضم مشتتی یهوذا" أحمد "من أربعة أطراف الأرض».

در نتیجه معنای این متن چنین می شود: «و به جهت امتها پرچی برافراشته، رانده شدگان اسرائیل (عبد الله) را جمع خواهد کرد و پراکندگان یهودا (احمد) را از چهار گوشه ی جهان فراهم خواهد آورد».

والمشتتون الذین یجتمعون کقزع الخریف من أطراف الأرض
لنصرة القائم (المهدی الأول أحمد) هم أنصار الإمام المهدي في
آخر الزمان، كما هو معلوم من روایات محمد آل محمد (13).

«پراکندگان» کسانی هستند که مانند ریختن برگ درختان پاییزی از گوشه و کنار زمین برای یاری قائم (مهدی اول، احمد) جمع می شوند. اینان انصار امام مهدی ع در آخرالزمان هستند؛ همان طور که از روایات محمد و آل محمد ع

11. وهو أمر واضح، وبينته الروایات أيضاً، منها على سبيل المثال ما رواه العياشي في تفسيره: (عن أبي داود عن رسول الله ص يقول: أنا عبد الله اسمي أحمد، وأنا عبد الله اسمي إسرائيل، فما أمره فقد أمرني، وما عناه فقد عياني) تفسير العياشي: ج 1 ص 44.

12- این موضوعی است روشن و روایات نیز آن را بیان کرده اند. از جمله و به عنوان مثال، روایتی است که عیاشی در تفسیرش روایت نموده است: رسول خدا ص فرمود: «من عبد الله (بنده ی خدا) هستم و نامم احمد است. من بنده ی خدا هستم و اسمم اسرائیل است؛ هر چه به او امر فرمود، مرا نیز امر کرد و هر چه او به او نمایاند، مرا نیز نمایاند». تفسیر عیاشی: ج ۱ ص ۴۴.

13. الروایات في ذلك كثيرة، هذا مثال منها: عن أبي خالد، عن الباقر ع في قول الله عز وجل: "فاستبقوا الخيرات أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً"، قال: الخيرات الولاية وقوله تبارك وتعالى: "أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً" يعني أصحاب القائم الثلاثمائة والبيضة عشر رجلاً، قال: وهم والله الأمة المعدودة، قال: يجمعون والله في ساعة واحدة قزع كقزع الخريف) الكافي - الشيخ الكليني: ج 8 ص 313. وهو ما يحصل اليوم، فقد آمن بالسيد أحمد الحسن أناس من بلدان وأديان وأجناس مختلفة، وأنصاره موزعون على مناطق عديدة من العالم كدول الشرق الأوسط والمغرب الغربي وشرق آسيا وروسيا ودول أوربية وغير أوربية كثيرة كبريطانيا وفرنسا وألمانيا والسويد والنرويج وهولندا وفنلندا وأسبانيا وأستراليا وكندا وأمريكا والمكسيك والأرجنتين وغيرها.

مشخص می‌باشد. (۱۴)

۱۴- روایات در این خصوص بسیارند. این مثالی از آنهاست: امام باقر ع در مورد سخن خداوند عزوجل: **(پس به سوی نیکی‌ها پیشی جوید. هر جا که باشید، خدا همه‌ی شما می‌آورد)** فرمود: **«نیکی‌ها، ولایت است، و سخن خداوند تبارک و تعالی: (هر جا که باشید، خدا همه‌ی شما می‌آورد) یعنی اصحاب قائم که سیصد و ده تا و اندی هستند»**. فرمود: **«به خدا سوگند! آنان همان امت وعده داده شده هستند»**. فرمود: **«به خدا قسم! در یک ساعت و مانند ریختن برگ درختان پاییزی جمع می‌شوند»**. کافی - شیخ کلینی: ج ۸ ص ۳۱۳. این همان چیزی است که امروز اتفاق افتاده است. افرادی از شهرها، ادیان و جنس‌های مختلفی به سید احمدالحسن ایمان آوردند و انصار ایشان در مناطق بسیاری از جهان پراکنده هستند؛ مانند کشورهای خاورمیانه، مغرب عربی، شرق آسیا، روسیه و بسیاری از دولت‌های اروپایی و غیر اروپایی مانند بریتانیا، فرانسه، آلمان، سوئد، نروژ، هلند، فنلاند، اسپانیا، استرالیا، کانادا، آمریکا، مکزیک، آرژانتین و جاهای دیگر.